فصلنامه ایده های نوین روانشناسی

دوره ۱۱، شماره ۱۵ ، زمستان سال ۱۴۰۰

اثربخشی آموزش ویژگی های رفتاری و رشد شناختی به خانواده و تاثیر آن بر بهبود رفتاری کودکان مضطرب

فاطمه شوشتری [۱]

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش ویژگی های رفتاری و رشد شناختی به خانواده و تاثیر آن بر بهبود رفتاری کودکان مضطرب می‌باشد. مطالعه آموزش ویژگی‌های رفتاری و رشد شناختی کودکان در خانواده ها موضوعی است که باید مورد نظر همه قرار گیرد و در راستای بهبود این ویژگی ها و تقویت آن اقدام گردد. پژوهش حاضر در دو بخش انجام شد. در بخش اول به بررسی تاثیر آموزش ویژگی‌های رفتاری و رشد شناختی به خانواده دارای کودکان مضطرب و بهبود رفتار مضطرب آنها پرداخته شد و در بخش دوم پایداری و تاثیر این آموزش ها بر کاهش اضطراب کودکان در طول زمان مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر از حیث اهمیت در طبقه پژوهش های کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش های طرح آزمایشی است. برای انجام این تحقیق، ابتدا ۶۰ نفر از کودکان مضطرب را از طریق آزمون آخنباخ به عنوان پیش آزمون انتخاب شدند سپس نمونه های آماری به صورت گمارش تصادفی به دو گروه گواه و آزمایش تقسیم شدند و پس از گرفتن اطلاعات جمعیت شناختی از هر دو گروه به یک گروه از والدین آنان آموزش مربوط به رشد شناختی (بر اساس نظریه پیاژه) داده شد (گروه آزمایش) و به گروه گواه آموزشی داده نشد. از هر دو گروه از کودکان همان خانواده تست آخنباخ با مولفه‌ی اضطراب به عنوان پس آزمون گرفته شد. مدتی (۳ ماه) پس از پایان نتایج آزمون ها و آموزش مربوطه مجدداً تست آخنباخ برای پایداری آموزش در طول زمان گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از شاخص های آمار توصیفی نظیر میانگین، انحراف استاندارد و ویژگی های جمعیت شناختی و... استفاده شد و شاخص های آمار استنباطی نظیر تحلیل کوواریانس نیز به عنوان مکمل استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد که آموزش ویژگی‌های رفتاری و رشد شناختی بر بهبود رفتار کودکان به خانواده ها بر بهبود اضطراب کودکانشان رابطه‌ی معناداری داشتند. در بخش دوم تحقیق پایداری این آموزش ها بر کاهش اضطراب کودکان در طول زمان نیز معنا دار بود.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های رشد شناختی،رفتاری، کودکان مضطرب، نظریه پیاژه، آزمون آخنباخ

[۱] کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه اصفهان، اصفهان ،ایران (f_shooshtari@yahoo.com)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۱، شماره ۱۵ ، زمستان سال ۱۴۰۰

مقدمه

اضطراب[1]حالت هیجانی نامطلوبی است که با پریشانی، وحشت و تشویش همراه است. سطح معینی از اضطراب در همه جوامع به عنوان پاسخی مناسب و سازگار تلقی می شود و برای رویارویی خطر، برنامه ریزی، هوشیاری و مطالعه ضروری است، اما فقدان اضطراب یا اضطراب زیاد ما را با مشکلات و خطرات زیادی روبه رو می کند. در واقع، اضطراب در سطح متوسط می تواند مفید، سازنده یا حتی لذت بخش باشد و آدمی را وادار به انجام کارها کند، اما اگر اضطراب از این سطح فراتر رود، استعداد را تخریب می‌کند و باعث عدم تمرکز و اختلال حافظه می گردد(بساک نژاد و همکاران،۱۳۹۹).

اضطراب جزء جدایی ناپذیر زندگی طبیعی دوران کودکی بوده و به روشنی نشانگر روند رشد طبیعی کودک است. در واقع، اضطراب ها ممکن است اثری سودمند نیز بر رشد کودک داشته باشند زیرا فرصت‌هایی مناسب جهت رشد ساز و کارهای مقابله ای برای رویارویی با عوامل فشار زا و اضطراب آور آتی مهیا می‌کنند(خداپناهی و همکاران،۱۳۹۱). اضطراب در شکل تطابقی در سازگاری با دنیای دیگران به کودکان کمک می کند. مقدار متوسط اضطراب دارای عملکرد تنظیمی است و کودکان را برای سازگار کردن رفتارشان با انتظارات اجتماعی، تحصیل و فرهنگ یاری می دهد. از سوی دیگر، اضطراب بسیار کم و بسیار زیاد می تواند عامل ناسازگاری باشد. اضطراب دایم و بیش از حد نیز عامل ناسازگاری است و منجر به پریشانی شده و در تکامل کودک مداخله می-کند(آیتکین ، دوریو و کوچوک اوغلو[2]،۲۰۱۶). اگرچه برخی از ترس ها و اضطراب ها در دوران کودکی به عنوان بخشی از تحول بهنجار کودک محسوب می شوند. اما برخی از مشکلات اضطرابی در طول زمان نسبتاً پایدارند و ممکن است تا نوجوانی و بزرگسالی تداوم یابند (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین بسیاری از اختلالهای اضطرابی که در دوران بزرگسالی مشاهده می‌شوند، معمولاً شروعی زودرس دارند. با اینکه، شواهد تجربی گواه بر این است که اکثریت قریب به اتفاق کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلالات اضطرابی، درمان روانی دریافت نداشته‌اند(کاستلو، هی، سامپسون، کسلر و مریکانگاز[3]،۲۰۱۴). اما مهم است که برای یافتن وسیله‌ای برای افزایش دسترسی CBT[4] برای کمک به این جمعیت تلاش پژوهشی صورت گیرد (ویگرلند و همکاران[5]،۲۰۱۶). گینزبرگ، سیلورمن و کورتینز[6]۱۹۹۵؛ به نقل از بساک نژاد، پلوئی شاپور آبادی و داوودی،۱۳۹۱ گزارش می‌کنند که مزیت آموزش به والدین برای کاهش اضطراب کودک، شامل بهبود تعامل والد -کودک و روش های جدید انضباط در محیط خانواده است. در روش آموزش مدیریت اضطراب خانواده والدین می آموزند تا به پیشایندها و پیامدهای رفتارهای انضباطی خود توجه کنند. روانشناسی مرضی تحولی[7]همواره تمرکز فزاینده ای بر درک عوامل خطرساز زودرس در پدیدآیی اختلال های درونی سازی شده[8]مانند اضطراب و افسردگی[9]داشته است (جاکوبسن و همکاران،۲۰۱۲).

[1] Anxiety
[2] Aytekin, A., Doru, O., and Kucukoglu, S.
[3] Costello, He, Sampson, Kessler, & Merikangas
[4] Cognitive Behavioral Therapy
[5] Vigerland et al
[6] Ginsberg, Silverman, & Kurtines
[7] developmental psychopathology
[8] Internalized disorders
[9] depression

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

خانواده نخستین پایگاه تربیتی و قطعاً اولین و مهم ترین کانون پرورش صحیح، احیاء و شکوفایی استعدادهای کودکان است. بخش عمده ای از پرورش صحیح عقل و عاطفه که پایه اساسی سعادت انسان را تشکیل می دهد بر عهده والدین می باشد که باید از کودکی شروع شود. جریان تربیت کودک برای والدین لذت بخش و در عین حال با مشقت ها و ناراحتی های فراوان همراه است. اگر کانون خانواده دربرگیرنده محیط سالم و سازنده همراه با روابط گرم و صمیمی تعامل بین فردی باشد، موجب رشد و پیشرفت همه جانبه اعضای خانواده می شود. پدر یا مادر شدن، واقعه ای جسمی، روانی و اجتماعی است که اساساً روش زندگی زوجین را دگرگون می کند. واردشدن فرزند به جمع خانواده بر نحوه زندگی زوجین(مثلاً محل زندگی و منزل)، روابط زناشویی (نظیرتماس های جنس) و تنش های پدرانه و مادرانه (مانند تقاضای جدید) تأثیرگذار خواهد بود. بررسی ها، تأثیر تنیدگی والدینی در افزایش افسردگی و اضطراب در والدین را به منزله مؤلفه عمده سلامت روانی آشکار نموده اند (احمدی مقدم، ۱۳۹۵). تنیدگی والدینی اصطلاحی است که مشخص کننده ادراک تنیدگی در نظام والد کودک است که هم ویژگی های تنیدگی زای کودک و هم پاسخ های والدین به این ویژگی ها را دربرمی گیرد. تجربه تنیدگی والدینی نشان داده است که والدگری برای هر دو والد تنیدگی زاست. مادران در معرض دو گروه بزرگ از تنیدگی ها قرار دارند که از تنیدگی حاصل از هویت زیست شناختی آنان (قاعدگی، افسردگی بعد از زایمان، افسردگی یائسگی) و تنیدگی مرتبط با مسئولیت حرفه ای آنان (نقش مادرانه، مشکلات اشتغال) حاصل می شود. بنابراین مادران بیش از پدران تنیدگی والدینی را تجربه می کنند(هاتف و همکاران، ۱۳۹۴).

احساس افسردگی و عدم صلاحیت که مبین احساس بی لیاقتی و ناتوانی در انجام وظایف والدینی است، بیشترین تأثیر را بر تنیدگی والدین دارد. اگر والدین احساس بی لیاقتی داشته باشد ناتوان شده و دچار استرس شدید و اعتماد به نفس پایین می شوند و به تدریج به افسردگی و سایر مشکلات روحی مبتلا می شوند و این استرس شدید ناتوانی آنها را برای تربیت مؤثر تحت تأثیر قرار می دهد. همچنین احساس خودکارآمدی ضعیف در والدین به سبک والدگری بی ثبات و غیرمقتدر منجر می گردد که بر اساس شواهد متعدد این عوامل به پیامدهای ضعیف در مورد کودکان می انجامد(مهری نژاد و همکاران، ۱۳۹۴). اضطراب پاسخی ضروری به تنیدگی است که فرد را به هنگام مواجهه با خطر، برای کنش و واکنش آماده می سازد. در بسیاری از مواقع، چنین پاسخی منطقی و حتی حیاتی است .اما حالت نابهنجار آن می تواند برگستره وسیعی از عملکردهای آدمی اثر بگذارد. شیوه های تربیتی والدین نقش مهمی در رشد و نمو روانی اجتماعی نوجوانان، ارتباطات خانوادگی، موفقیت های تحصیلی، توانایی تصمیم گیری و اعتماد به نفس آنان ایفاء می نماید. امروزه در اکثر کشورهای توسعه یافته بر روی مراقبت و حمایت ازکودکان نظارت های ویژه ای صورت می گیرد و برای رفاه و آسایش والدین به منظور کمک به کودکان توجه خاصی مبذول می شود. آموزش مدیریت رفتار والدین به نسبت انواع روان درمانی مبتنی بر خانواده برتری دارد (دوستدار و همکاران، ۱۴۰۰).

برای موفقیت در امر تربیت باید والدین به مهارت هایی از جمله مهارت فنی (دانش کافی و به روز)، مهارت انسانی (توانایی برقراری ارتباط مطلوب با آنان) و مهارت ادراکی (درک درست از مسائل و مشکلات) مسلط باشند. برنامه فرزندپروری مثبت یکی از ۵ سطح مداخله درمانی خانواده برای والدین کودکانی است که هم اکنون دچار یا در معرض خطر ابتلا به اختلالات رفتاری و عاطفی هستند. اهداف تمامی سطوح درمانی این روش بر افزایش خودکفایی و خودکارآمدی والدین در کنترل رفتار کودکانی مبتنی است که از طریق آموزش های والدین به منظور ارتقای تحول کودک، حس صلاحیت اجتماعی و خودکنترلی میسر می شود. هنگامی که خانواده ها دوره اصلاح رفتار را پشت سر بگذارند، تغییرات مهمی را در موفقیت کنترل رفتار کودکانشان که ناسازگاری دارند، به دست می آوردند .احساس رضایت مادران از شیوه رفتار فرزندانشان در پایان دوره آموزشی افزایش یافته و براحساس صلاحیت آنان جهت کنترل و تسلط بر رفتار خود و فرزندانشان افزوده می شود و با تنیدگی روابط والد کودک با خوش بینی بیشتری نسبت به رفتار کودکان

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

کاهش می یابد. آموزش والدین یکی از عملی ترین استراتژی های مداخله ای برای کاهش رفتار ناسازگارانه کودک و کاهش تنیدگی والدین می باشد(سلیمانی،۱۳۹۰). با آموزش والدین میزان بسیاری از تنیدگی های خانواده های آموزش دیده کاسته می شود (مهری نژاد ، ۱۳۹۴).

تعامل ضعیف والد کودک منجر به افزایش تنیدگی والد شده و تنیدگی بالای والدین نیز منجر به ضعف تعامل والد کودک می شود.

بنابراین تنیدگی والدین باعث رفتار فرزندپروری منفی و نارسا کنش وری می شود. شیوه های فرزندپروری توانایی پیش بینی سطح علایم وسواس فکری عملی و افکار اضطرابی نوجوانان را دارند .علایم وسواس فکری عملی و افکار اضطرابی رابطه مثبت معنی دار با شیوه های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه و رابطه منفی معنی دار با شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارد. سلامت روانی و موفقیت تحصیلی در بین فرزندانی که با الگوی قاطع و اطمینان بخش تربیت می شوند بیش از سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندانی بود که با الگوی استبدادی یا سهل گیر تربیت شده بودند. بین مادران کودکان دارای اختلال های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی با مادران کودکان عادی در شیوه های فرزندپروری قاطع و اطمینان بخش و مستبدانه تفاوت وجود دارد .همچنین مادران کودکان دارای اختلال های افسردگی، اضطرابی و وسواس فکری و عملی بیشتر از مادران کودکان عادی از شیوه فرزندپروری مستبدانه در تربیت فرزندان خود استفاده می کنند .در حالی که مادران کودکان عادی در مقایسه با مادران کودکان دارای اختلال های افسردگی بیشتر از شیوه قاطع و اطمینان بخش در تربیت فرزندان خود استفاده می کنند(سلیمانی،۱۳۹۰).

به باور(۲۰۰۰) برای بهبود سطح کارکردهای اجرایی باید بر آموزش مهارت‌های تفکر و حل مسئله تأکید کرد. نکته‌ای که در مورد بهبود سطح کارکردهای اجرایی باید مورد توجه قرار بگیرد، ارتباط بسیار زیاد رشد این کارکردها با رشد توانایی‌های شناختی، بویژه زبان است. برای درمان در موقعیت‌های طبیعی می‌توان از برنامه‌های تغییر رفتار، هدف قرار دادن رفتار مطلوب و حفظ آن در طول زمان استفاده کرد. برای این منظور، می‌توان از ابزارها و برنامه‌های ویژه در خانه و مدرسه و موقعیت‌های ورزش استفاده کرد(مارلو[1]۲۰۰۰، به نقل از بست[2]و همکاران،۲۰۰۹).

از سوی دیگر، یکی از روش‌های شناختی بکار رفته برای درمان کودکان، روش آموزش مدیریت والدینی[3]است. این برنامه مبتنی بر اصول یادگیری اجتماعی است که در آن والدین می‌آموزند تا با شیوه دیگری با کودک خود تعامل داشته باشند. در واقع، هدف آموزش به والدین، یاددهی مهارت‌های نوین است. هم چنین، والدین تنها بزرگسالانی هستند که در زندگی کودک حضور پایدار دارند و چنانچه آموزش ببینند تا به شیوه اثربخش‌تری با رفتارهای دشوار کودکان خود مقابله کنند، آنگاه امکان تداوم و حفظ پیشرفت‌های درمانی در کودک خود را فراهم می‌آورند.

موضوع مورد نظر از این جهت دارای اهمیت و ضرورت است که با تحقیق در این زمینه و ارائه الگوی مناسب نظام پیشنهادات به بررسی اثربخشی آموزش ویژگی های رشد شناختی به والدین کودکان بر کاهش نشانه های اضطرابی در کودکان پرداخته و با توجه به اینکه تاکنون این سیستم تاکنون مورد توجه جدی قرار نگرفته است و یا به دلیل به کارگیری ضعیف آن، به کندی حرکت می‌کند و استقبال روزافزون از نظام پیشنهادات در اکثر کشورهای جهان، تحقیق درباره این نظام را برای کاربرد آن در سطح کشور، ضروری می نماید و همچنین قابل ذکر است که کاربرد این نظام در سازمانها و دانشگاه ها باعث پیشرفت و ارتقاء در سطح جهانی می‌گردد.

[1] Marlowe
[2] Best
[3] parental management training

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

اسحقی مقدم کته شمشیر، عبداللهی و شاهقلیان(۱۳۹۴) در پژوهش خود، دلیل بسیاری از اضطراب ها و عدم توانایی در تنظیم شناختی هیجان ها را الگوهای ناکارآمد یا طرحواره های ناسازگار اولیه گزارش کردند که پیامد آن، تداوم اختلال اضطرابی است.

مهری نژاد، مکرمی و استوار(۱۳۹۴) گزارش نمودند که آموزش های مربوط به مدیریت و مقابله با استرس، که به منظورتغییر رفتار فرد در برابر شرایط استرس زا صورت گرفت، میتواند بر روابط اعضای خانواده با یکدیگر اثر بگذارد .با توجه به آنچه گفته شد، شناسایی زودهنگام نشانه های اضطرابی در کودکان و تحت درمان قرار گرفتن شان بسیار مهم است، از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر اثربخشی آموزش

شناختی رفتاری جهت بهبود رابطه مادر –کودک برای کاهش رفتارهای والدگری مضطربانه، و نیز درمان کودک به روش شناختی رفتاری جهت کاهش نشانه های اضطرابی کودکان در شهرستان آمل انجام شد.

خداپناهی، قنبری، نادعلی، و سیدموسوی(۱۳۹۱) نان داد که روابط مثبت مادر -کودک، پیش بینی کننده منفی نشانه های اختلال اضطراب اجتماعی[۱]، وسواس بی اختیاری[۲]و ترس از جراحت های جسمانی[۳]بود؛ در حالیکه تعارض مادر-کودک[۴]یک پیش بینی کننده مثبت نشانگان اضطرابی به ویژه اضطراب تعمیم یافته[۵]اضطراب اجتماعی و ترس از جراحت های جسمانی در کودکان بوده است؛ همچنین وابستگی مادر-کودک پیش بینی کننده مثبت نشانگان اضطرابی، به خصوص در مورد اضطراب جدایی[۶]بود .نتایج بر استلزام توجه به روابط مادر -کودک در ارزیابی وضعیت کودکان، به ویژه در موقعیت های بالینی و ضرورت طراحی و استفاده از نیمرخ درمانی توسط متخصصان بالینی کودک تأکید داشتند.

نتایج پژوهش هودسون و همکاران[۷](۲۰۱۵) حاکی است که مقدار بسیار زیادی، همزمانی بین اختلالات اضطرابی در دوران کودکی وجود دارد، یعنی ممکن است یک کودک، تشخیص ۲ یا چند اختلال را همزمان دریافت کند. اگرچه اختلالات اضطرابی متفاوتی می توان در دوران کودکی یافت، اما به طور کلی توافق شده که ساختار اصلی اضطراب می تواند به درمان شناختی رفتاری[۸]که در پروتکل CBT موجود است، پاسخ دهد. بنابراین، بسیاری از مطالعات در زمینه درمان، اطلاعاتی در مورد اثربخشی CBT برای اختلالات اضطرابی در کودکان به طور عام (به جای اختلالات اضطرابی خاص کودکان)گزارش کردند و بیان داشته اند که معنی داری میزان بهبود اضطراب کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی با استفاده از خرده تکنیک های CBT روشن است.

ویگرلند و همکاران(۲۰۱۶) اثر بخشی CBT را در ۵۰ درصد کاهش نشانه های اضطراب در ۹۳ کودک مبتلا به اختلال اضطرابی در سوئد گزارش کردند، پیشرفت در پیگیری سه ماهه حفظ شد.

در یک مطالعه بر روی ۲۳ کودک ۵-۳ ساله و والدین آنها در جنوب شرقی کوییزلند استرالیا، محققان نشان دادند که آموزش مادران این کودکان در ابطه با وضعیت شناختی کودک در این مرحله، که در این مطالعه به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شده بودند و ۴ ماه تحت آموزش مدوام بودند، به میزان زیادی، در کاهش علایم افسردگی و اضطراب کودکان آنها موثر بوده است. به گونه

[1] social anxiety disorder
[2] obsessive-compulsive
[3] fear of physical injury
[4] mother-child conflict
[5] generalized anxiety
[6] separation anxiety
[7] Hudson et al
[8] Cognitive behavioral therapy (CBT)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

ایی، که تفاوت معنی داری در نمره نحوه برخورد مادران در گروه آزمایش در مقایسه با نمره مادران در گروه کنترل، پس از پایان مطالعه در رابطه با کودکانشان وجود داشت (کنسل و همکاران، ۲۰۰۷).

در یک مطالعه که به بررسی رابطه بین اضطراب کودکان و تاثیر آموزش والدین در کاهش این علایم پرداخته شده بود، محققان ۱۰۴ والد کودکان ۵-۳ ساله را در مطالعه خود شرکت دادند. نتیجه این مطالعه نشان داد که میزان آگاهی والدین، از توانایی های شناختی کودکانشان، نقش موثری در کاهش اضطراب آن کودکان داشته است. همچنین نتیجه این مطالعه نشان داد که میزان کنترل والدین بر فرزندانشان، به شدت با سطح اضطراب در این کودکان همبستگی داشت (ویت کرافت و کراس ول، ۲۰۰۷).

یکی از مهمترین پژوهش هایی که در زمینه آموزش والدین وجود دارد؛ یک برنامه مبتنی بر آموزش روانی خانواده در ابعاد گوناگون مانند: رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، روانی و اجتماعی و هویتی است، که توسط پاملا پیرل کِر (۲۰۰۸) در آفریقای جنوبی انجام شده است، هدف از این پژوهش اجرای برنامه آموزش روانی در خانواده ها برای ارتقاء سطح مهارتهای فرزند پروری در آنها و جلوگیری از بروز آسیب روانی در کودکان بود. در این پژوهش کارایی والدین از طریق چندین عامل افزایش یافت؛

۱) آشنایی با مراحل رشد کودکان و نوجوانان.
۲) آشنایی با نقش متقابل والدین نسبت به نوجوانان.
۳) عواملی که روی فرزند پروری تاثیر می گذارد (برای نمونه تاثیرات چند نسلی و تاثیر ساختار خانواده روی والدین).
۴) چالش هایی که کودکان در خلال رشد با آن مواجه می شوند و می تواند مانعی بر سر راه رشد و پیشرفت آنها باشد.
۵) عواملی که به والدین برای غلبه بر این چالش ها و بهبود مهارتهای فرزند پروری کمک می کند.
۶) آموزش مهارتهای فرزند پروری در جهت تقویت کارایی والدین.
۷) طبیعت خود برنامه آموزش روانی که می تواند کارایی والدین را نسبت به فرزندان افزایش دهد.

این مطالعه روی ۲۱ نفر (۵ پدر و ۱۶ مادر) به مدت ۶هفته در جورجیای آفریقای جنوبی به اجراء درآمد. یافته ها بعد از تحلیل و نظارت چند گروه متخصص روی اجرای پژوهش از تاثیر برنامه آموزش روانی به خانواده ها به منظور افزایش کارایی آنها در ارتباط با فرزندان حمایت می کند نتایج حاصل از این پژوهش در یک دوره پی گیری دو ماهه ثابت بود.

نتایج پژوهش ها نشان داده اند که اگرچه درمان های انفرادی آموزش مهارت های تسلط بر محرک های نامطلوب، تاحدودی در درمان اضطراب کودکان نقش دارند، اما اعتقاد بر این است که خانواده درمانی شناختی-رفتاری و آموزش والدین برای در پیش گرفتن رفتار درست با کودک امیدوارکننده و نویدبخش برای درمان اضطراب کودکان است (کالنگ[1] و همکاران، ۲۰۲۱).

بر این اساس، تأثیر درمان شناخت رفتاری کودکان مبتلاء به اضطراب نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. تقریباً ۷۰ درصد کودکانی که با این روش درمان شده اند، بهبود یافته اند. در سال های اخیر، تلاش های بسیاری در پیشبرد راهکارهای شناختی-رفتاری صورت گرفته و مطالعات جدیدتر حاکی از تأثیر آموزش والدین و آماده ساختن آنها در درمان کودکان نیز می باشد .

اکنون اعتقاد بر این است که دخالت دادن پدران و مادران در درمان شناختی-رفتاری فرزندان خود نتایج مؤثری را به بار می آورد؛ به طوری که شواهد زیادی دال بر اهمیت نقش والدین در حفظ و تداوم اضطراب کودکان وجود دارد .ازاین رو، برنامه های کودک مدار طراحی شده برای درمان اضطراب کودکان، دارای مؤلفه های خانوادگی‌اند (راپی و همکاران، ۲۰۰۰ ؛ به نقل از بارت و آلن دیک،۲۰۰۴) .

[1] - Culang

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

اضطراب کودکان، در چند سال اخیر جایگاه مهمی را در عرصه تحقیقت مربوط به کودکان به دست آورد ه اند. اکنون پژوهش های جدید، موجب پیشرفتهایی در علت یابی این اختلالات شده و کاربرد درمان ها را برای اضطراب کودکان جهت بخشیده است.

به همین جهت تحقیق حاضر با توجه به ویژگی های شناختی رشد کودکان که از اهمیت خاصی برخوردار است به آموزش والدین کودکان مضطرب می پردازد تا در صورت تاثیر بتواند گامی مهم در جهت بهداشت روانی کودکان بردارد که در سال های بعد تجربه های جدید تری را خواهند داشت.

بر اساس مطالب عنوان شده این تحقیق دارای فرضیاتی می‌باشد:

۱) آموزش ویژگی های رشد شناختی کودکان به والدین بر اضطراب کودکان را کاهش می دهد.

۲) آموزش ویژگی های رشد شناختی کودکان به والدین بر کاهش اضطراب کودکان در طول زمان از پایداری مناسبی برخوردار است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث اهمیت در طبقه پژوهش های کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش های طرح آزمایشی است. جامعه آماری مورد نظر کودکان مقطع ابتدایی منطقه ۲ شهر تهران است والدین کودکان که قرار است آموزش ببینند از سن ۲۵ تا ۴۰ سال می باشند که حداقل تحصیلات آنها دیپلم می باشد. نمونه مورد نظر ۶۰ نفر از کودکان مقطع ابتدایی از مدارس منطقه ۲ هستند که به صورت تصادفی ساده انتخاب شده اند.

برای جمع‌آوری اطلاعات، از آزمون فهرست رفتاری کودکان (آخنباخ) استفاده شده است. این ابزار برای ارزیابی سنجش صلاحیت، کنش‌وری سازشی و مشکلات عاطفی-رفتاری کودکان معرفی شده است. این فهرست توسط والدین یا فردی که با کودک در محیط های شبیه به خانواده زندگی می کند و او را به طور کامل می شناسند و یا توسط معلم براساس وضعیت کودک در شش ماه گذشته تکمیل می گردد. این فهرست دارای دو بخش است: بخش اول مربوط به صلاحیت کودک در زمینه های مختلف نظیر فعالیت ها، روابط اجتماعی و مدرسه است و بخش دوم مربوط به مشکلات عاطفی-رفتاری است.

این پرسش نامه دارای ۱۱۸ سوال است و ۸ مولفه را می سنجد که شامل: عوامل افسردگی-گوشه گیری، افسردگی-اضطراب، شکایات بدنی و مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، رفتار های قانون شکن، رفتار های پرخاشگرانه و نارسایی توجه و فزون کنشی می باشد. مؤلفه های اضطراب در این آزمون 12 سؤال است. پایایی آزمون-باز آزمون بین مصاحبه گران نمرات فهرست رفتاری کودک بین ۹۳٪ تا ۱ به دست آمده است. این پایایی برای مقیاس های صلاحیت، کنش‌وری و نشان‌گان عاطفی-رفتاری در فهرست رفتاری کودک برابر ۹۰٪ است. نمرات فهرست رفتاری کودک بین ۲۴-۱۲ ماه ثبات داشتند. هنجاریابی این نظام در شهر تهران، پس از انطباق های لازم به لحاظ زبانی، فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته است. در اعتبار آزمون- باز آزمون، تمام همبستگی های گشتاوری پیرسون معنی دار است و هم چنین تمام هم بستگی های مربوط به توافق متقابل بین پاسخ دهندگان شامل توافق بین والدین، توافق بین معلمان، توافق بین کودکان و والدین و توافق بین والدین و معلمان نیز معنا دار است.

در این تحقیق ابتدا ۶۰ نفر از کودکان مضطرب را از طریق آزمون آخنباخ به عنوان پیش آزمون انتخاب شدند سپس نمونه های آماری به صورت گمارش تصادفی به دو گروه گواه و آزمایش تقسیم شدند و پس از گرفتن اطلاعات جمعیت شناختی از هر دو گروه به یک گروه از والدین آنان آموزش مربوط به رشد شناختی (بر اساس نظریه پیاژه) داده شد (گروه آزمایش) و به گروه گواه آموزشی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

داده نشد. از هر دو گروه از کودکان همان والدین تست آخنباخ با مولفه‌ی اضطراب به عنوان پس آزمون گرفته شد. مدت(۳ ماه)پس از پایان نتایج آزمون ها و آموزش مربوطه مجدداً تست آخنباخ برای پایداری آموزش در طول زمان گرفته شد.

برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از شاخص های آمار توصیفی نظیر میانگین، انحراف استاندارد و ویژگی های جمعیت شناختی و... استفاده شد و شاخص های آمار استنباطی نظیر تحلیل کوواریانس نیز به عنوان مکمل استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از بسته نرم‌افزار SPSS-16 استفاده شده است.

بحث و نتیجه گیری

میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها در گروه آزمایش در خرده مقیاس اضطراب در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

جدول۱. میانگین خرده مقیاس اضطراب در گروه آزمایشی در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

مقیاس	تعداد	پیش آزمون				پس آزمون			
		حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
شاخص اضطراب	۳۰	۷	۱۹	۷,۴۸	۲,۱۶	۲	۱۸	۵,۳۵	۱,۰۳

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین خرده مقیاس اضطراب گروه آزمایش در پس آزمون نسبت به پیش آزمون کاهش پیدا کرده است.

میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها در گروه کنترل در خرده مقیاس اضطراب در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

جدول۲. میانگین خرده مقیاس اضطراب در گروه کنترل در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

مقیاس	تعداد	پیش آزمون				پس آزمون			
		حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
شاخص اضطراب	۳۰	۶	۲۱	۷,۰۵	۲,۳۱	۵	۱۸	۶,۰۳	۲,۰۸

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، میانگین خرده مقیاس اضطراب گروه کنترل در پس آزمون نسبت به پیش آزمون کاهش پیدا کرده است. اما این کاهش در نمودار چشمگیر نیست.

آمار استنباطی و تجزیه و تحلیل متغیرها

در این قسمت به تفسیر نتایج حاصل از تجزیه وتحلیل داده‌های استخراج شده پرداخته و بر اساس و مبنای فرضیات تحقیق و اهداف آن، راهکارهای مناسب و همچنین پیشنهاداتی مبتنی بر یافته‌های پژوهش، ارائه گردید. این تحقیق دارای سوالاتی است که

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

با استفاده از روش‌های آماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس نتایج آزمون های آماری در قالب جداول خروجی SPSS ارائه می‌شود و تفسیر نتایج آماری بدست آمده توضیح داده خواهد شد.

آزمون فرضیه اول؛ آموزش ویژگی های رشد شناختی به والدین کودکان، اضطراب کودکان را کاهش می دهد

جدول۳. بررسی پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس متغیر اضطراب

متغیر	همگنی واریانس ها		آزمون همگنی شیب ها		آزمون کولموگروف اسمیرنف	
	F	سطح معناداری	F	سطح معناداری	Z	سطح معناداری
شاخص اضطراب	۲,۰۵	۰,۱۶	۱,۱۲۴	۰,۲۹۸	۰,۷۷۴	۰,۵۸۸

در جدول بالا پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه آزمون همگنی واریانس ها نشان می دهد فرض همگن بودن واریانس گروه آزمایشی و کنترل در شاخص اضطراب تایید می گردد (F= ۲,۰۵، P > ۰/۰۵) همچنین، آزمون همگنی شیب های رگرسیون نشان داد که فرض همگنی شیب های رگرسیون در گروه آزمایشی و کنترل در شاخص اضطراب نیز مورد تایید است (F= ۱,۱۲۴، P > ۰/۰۵). پیش فرض نرمال بودن توزیع نیز با آزمون کلموگروف اسمیرنف بررسی گردید و فرض نرمال بودن توزیع متغیر مورد نظر تایید گردید (Z= ۰,۷۷۴، P > ۰/۰۵). بنابراین با رعایت این پیش فرض‌ها می توان از آزمون کوواریانس استفاده کرد.

جدول۴. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس شاخص اضطراب

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش آزمون	۲۰,۳۷۶	۱	20.376	0.946	0.337
بین گروه ها	497.845	۱	497.845	23.117	0.0001
خطا	796.824	۵۷	21.536		
کل	35208	۶۰			

نتایج جدول فوق نشان می دهد که تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده آزمودنی های گروه آزمایشی وجود دارد. (F= ۲۳,۱۱۷ ، P < ۰/۰ ۱). لذا فرضیه پژوهش تایید می شود و می‌توان نتیجه گرفت که آموزش ویژگی های رشد شناختی در کاهش اضطراب کودکان نقش داشته است.

فرضیه دوم: آموزش ویژگی های رشد شناختی کودکان به والدین بر کاهش اضطراب کودکان در طول زمان از پایداری مناسبی برخوردار است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

جدول۵. بررسی پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس متغیر اضطراب

متغیر	همگنی واریانس ها		آزمون همگنی شیب ها		آزمون کولموگروف اسمیرنف	
	F	سطح معناداری	F	سطح معناداری	Z	سطح معناداری
شاخص اضطراب	۰/۷۵	۰/۳۹	۰/۰۶۷	۰/۷۹	۰,۹۲	۰,۳۶

در جدول بالا پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه آزمون همگنی واریانس ها نشان می دهد فرض همگن بودن واریانس گروه آزمایشی و کنترل در شاخص اضطراب تایید می گردد (F= ۲,۰۵، P > ۰/۰۵) همچنین، آزمون همگنی شیب های رگرسیون نشان داد که فرض همگنی شیب های رگرسیون در گروه آزمایشی و کنترل در شاخص اضطراب نیز مورد تایید است (F= ۱,۱۲۴، P > ۰/۰۵). پیش فرض نرمال بودن توزیع نیز با آزمون کلموگروف اسمیرنف بررسی گردید و فرض نرمال بودن توزیع متغیر مورد نظر تایید گردید (Z= ۰,۹۲، P > ۰/۰۵). بنابراین با رعایت این پیش فرض‌ها می توان از آزمون کوواریانس استفاده کرد.

جدول۶. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس شاخص اضطراب

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش آزمون	۱۱۳,۰۵۵	۱	113.055	6.397	0.016
بین گروه ها	138.716	۱	138.716	7.849	0.008
خطا	653.895	۵۷	17.673		
کل	12201	۶۰			

نتایج جدول فوق نشان می دهد که تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده آزمودنی های گروه آزمایش وجود دارد. (F= ۷,۸۴۹ ،۱ P < ۰/۰). بنابراین با کنترل پیش آزمون در گروه آزمایش آموزش رشد شناختی در کاهش اضطراب در بستر زمانی دو ماهه پایدار است.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیقات انجام شده توسط چاو (۲۰۲۱)، کالنگ و همکاران (۲۰۲۱) و پاملا پیرل کر (۲۰۰۸) و... و نیز با توجه به مشاهدات مختلف در این چند سال گذشته توسط محقق در مورد اهمیت آموزش به والدین از یک سو و از سوی دیگر مساله اضطراب که به عنوان منبع مهمی در بروز مشکلات دیگر که در کودکان پیش دبستانی شناخته شده است، اهمیت و ضرورت این پژوهش را روشن تر می کند. عدم اطلاع درست خانواده ها به ویژه والدین از ویژگی های مختلف رشد کودکانشان و به خصوص رشد شناختی می تواند باعث ایجاد توقعات و انتظاراتی شود که فراتر از توانایی کودکانشان می باشد این موضوع می تواند یکی از عوامل مهم در ایجاد اضطراب در کودکان باشد. فرض بر این است که با آموزش این ویژگی های رشد شناختی (بر اساس الگوی نظری پیاژه) به والدین از طرفی آن ها را نسبت به رشد واقعی و بهنجار کودکشان در زمینه رشد شناختی مطلع و هم زمان انتظارات و توقعات درست و بهنجاری را از کودکانشان در زمینه ی رشد شناختی ایجاد می کند که این موضوع خود می تواند باعث کاهش اضطراب در کودکانش شود.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

به همین جهت تحقیق حاضر با توجه به ویژگی های شناختی رشد کودکان که از اهمیت خاصی برخوردار است به آموزش والدین کودکان مضطرب می پردازد تا در صورت تاثیر بتواند گامی مهم در جهت بهداشت روانی کودکان بردارد که در سال های بعد تجربه های جدید تری را خواهند داشت.

نتیجه فرضیه اول تحقیق بیان می‌کند که؛ عقاید و افکارخانواده می تواند موجب بروز اختلالات اضطرابی در کودکان شود. برخورد و انتظارات نابجای والدین از کودک می تواند باعث افزایش اضطراب کودکان شود و آموزش والدین می تواند برای کاهش و درمان کودکان مبتلا به اضطراب بسیار سودمند باشد،) بر همین اساس یافته های این پژوهش با تحقیقات کنسل و همکاران (۲۰۰۷) همسو بود. در این تحقیق که بر روی ۲۳ کودک مقطع ابتدایی انجام شد محققان آموزش های مربوط به رشد شناختی کودکان را به والدین دادند. در این تحقیقات محققان کودکان را به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم کردند و آن ها را چهار ماه تحت آموزش قرار دادند. نتیجه ی تحقیق آن ها مؤثر بودن آموزش های خانواده در کاهش اضطراب کودکانشان را نشان داد.

یافته های حاصل از این تجربه همچنین با یافته های علیزاده و همکاران (۱۴۰۰) و زندی و همکاران (۲۰۲۱) همسو بود. در تحقیقات آن ها به بررسی رابطه ی بین اضطراب کودک و تاثیر آموزش والدین در کاهش این علایم پرداخته شده است. محققان ۱۰۴ والد کودکان ۳ تا ۵ ساله را در مطالعه ی خود شرکت دادند و نتیجه ی مطالعه نشان داد که میزان آگاهی والدین از توانایی های شناختی کودکانشان نقش موثری در کاهش اضطراب کودکان داشته است. یافته های حاصل از این فرضیه همچنین با یافته های ساندرز و همکاران (۲۰۰۱) همسو بود. مطالعه دیگر بر روی ۳۰ خانواده دارای کودکان ۴ ساله از ناحیه بریس بین استرالیا صورت پذیرفت تا تاثیر آموزش والدین را بر شدت افسردگی و اضطراب کودکانشان نشان دهد. کودکان مورد مطالعه در این تحقیق دارای مشکلات رفتاری قابل ملاحظه ایی بودند و از طبقات اقتصادی- اجتماعی بالا بودند. میانگین سنی این کودکان ۴۶,۷ ماه بود. میانگین سنی مادران، در این مطالعه، ۳۱ سال و میانگین سنی پدران در این مطالعه، ۳۴ سال بود. نتایج این مطالعه، نشان داد که کودکان خانواده هایی که تحت آموزش نسبت به رشد شناختی کودکان خود، قرار گرفته بودند دارای درصد پایین تری از افسردگی و اضطراب پس از اتمام دوره آموزش بودند، و نتیجه این مطالعه در دوره پی گیری یک ساله نیز نشان دهنده ثبات تاثیرات درمانی در این رابطه بود (چاو و همکاران، ۲۰۲۱).

منابع

احمدی مقدم، حسین و احمدی مقدم، مقصود،۱۳۹۵،نقش خانواده، نظام آموزش و کتاب خانه ها در تربیت کودکان علاقه مند به مطالعه،کنفرانس منطقه ای فرهنگ مطالعه و کتابخوانی آسیب شناسی و راهکارها،زنجان.

بساک نژاد، سودابه، پلویی شاپورآبادی، فهیمه، داودی، ایران، (۱۳۹۹) .بررسی اثربخشی آموزش مدیریت اضطراب خانواده به مادران کودکان مضطرب۴ تا ۶ ساله مهدکودک های شهر اهواز، مجله علمی پزشکی جندی شاپور، دوره۱۱، شماره ۴، ۳۶۵-۳۷۳.

خداپناهی، محمدکریم، قنبری، سعید، نادعلی، حسین، سید موسوی، پریسا،(۱۳۹۱). کیفیت روابط مادر -کودک و نشانگان اضطرابی در کودکان پیش دبستانی، مجله روانشناسی تحولی :روانشناسان ایرانی، سال ۹، شماره ۳۳،۵-۱۳.

دوستدار، سیدعلی و موسوی کردمیری، سیدعالمه،۱۴۰۰،اثربخشی آموزش مبتنی بر ذهن آگاهی کودک محور بر کاهش اضطراب، انگیزش پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی،اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت،بندرعباس.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

علیزاده، سیدشهرام و مظاهری، محمدعلی و سیدموسوی، پریساسادات،۱۴۰۰،اثربخشی برنامه آموزشی پردازش حسی مبتنی بر الگوی دان به مادران کودکان پیش دبستانی مضطرب بر نشانگان اختلالات اضطرابی کودکان آنها،هفتمین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران،تهران.

هاتف، بشری، شیری، سجاد، صحرایی، هدایت،(۱۳۹۴). چرا انسان واکنش متفاوتی به تجربههای حسی مشابه نشان میدهد :یک تعامل هیجان -شناخت،فصلنامه علوم اعصاب شفای خاتم، دوره۴، شماره۱، ۶۷-۷۶.

مهری نژاد، سید ابوالقاسم، مکرمی، مرضیه، استوار، زهره،(۱۳۹۴). اثر آموزش مدیریت استرس به شیوه درمان شناختی -رفتاری بر سازگاری زناشویی در همسران جانبازان جنگ تحمیلی مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه، فصلنامه علوم اعصاب شفای خاتم، دوره۳، شماره۳، ۷۱-۸۰.

Aytekin, A., Doru, O., and Kucukoglu, S. “Effects of Distraction on Preoperative Anxiety Level in Children.” Pre-Anesthesia Nurs J, Vol. 31, No. 1, Pp. 56-62, 2016.

Costello, J., He, J., Sampson, N., Kessler, R., and Merikangas, K.(2014). “Services for adolescents with psychiatric disorders: 12-month data from the National Comorbidity Survey-Adolescent.” Psychiatr Serv, Vol. 65, No. 3, Pp. 359–366, 2014.

Culang, H., Davis, E. R., Egan, L., Simmons, A., Vago, D. R., Finley, S., & Dennis-Tiwary, T. (2021). Changing Minds: A Pilot Feasibility Study of Mindfulness Training for At-Risk Adolescents. National Youth Advocacy and Resilience Journal, 5(1), 3.

Chua, J. Y. X., & Shorey, S. (2021). The Effect of Mindfulness-Based and Acceptance Commitment Therapy-Based Interventions to Improve the Mental Well-Being Among Parents of Children with Developmental Disabilities: A Systematic Review and Meta-Analysis. Journal of autism and developmental disorders, 1-14.

Vigerland, S., Ljotsson, B., Ulrika, T., Lars-Goran, O.,(2016) Andersson, G., and Serlachius, E. “Internet-delivered cognitive behavioural therapy for children with anxiety disorders: a randomized controlled trial.” Behaviour Research and Therapy, No. 76, Pp. 47-56.

Costello, E.J., Mustillo, S., Erkanli, A., Keeler, G., and Angold, A. “Prevalence and development of psychiatric disorders in childhood and adolescence.” Arch Gen Psychiatry, Vol. 60, No. 8, Pp. 837-844, 2003.

Jakobsen, I.S., Horwood, L.J., and Fergusson, D.M. “Childhood Anxiety/Withdrawal, Adolescent Parent-Child Attachment and Later Risk of Depression and Anxiety Disorder.” JCF Stud, Vol. 21, No. 2, Pp. 303-310, 2012.

Anna Nagurney (2006), Supply Chain Network Economics: Dynamics of Prices, Flows and Profits, Edward Elgar Publishing, New york City.

Chong Seng L, Lim K. RFID technology adoption rate in warehousing: a study of manufacturing companies in Johor; 2019; 3:144-153

Centea D, Singh I, Elbestawi M. SEPT approaches for Education and Training using a Learning Factory. Procedia Manufacturing; 2019; 31: 109-115.

Dan Centeaa*, Ishwar Singha, Jan Boer (2021) RFID in Manufacturing: An Implementation Case in the SEPT Learning Factory, 30th International Conference on Flexible Automation and Intelligent Manufacturing (FAIM2021) 15-18 June 2021, Athens, Greece.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

Lavassani, M.k, Movahedi.B, Kumar V, (2008), Historical Developments in Theories of Supply Chain Management: The Case of B2B E-Marketplaces, Administrative Scince Association of Canada (ASAC),2008, Halifax, Canada

Lawrence J. Exploring the effect of varying environmental conditions on an RFID system reliable communications system. W Booth School of Engineering Practice and Technology. 2019.

Mohsen Attaran,(2007),RFID:an enabler of supply chain operations,Available on: www.emeraldinsight.com/1359-854htm.

Zandi, H., Amirinejhad, A., Azizifar, A., Aibod, S., Veisani, Y., & Mohamadian, F. (2021). The effectiveness of mindfulness training on coping with stress, exam anxiety, and happiness to promote health. Journal of Education and Health Promotion, 10(1).

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]

فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۱، شماره ۱۵ ، زمستان سال ۱۴۰۰

The effectiveness of teaching behavioral characteristics and cognitive development to the family and its effect on improving the behavior of anxious children

Abstract

The aim of this study was to evaluate the effectiveness of teaching behavioral characteristics and cognitive development to the family and its effect on behavioral improvement in anxious children. The study of teaching behavioral characteristics and cognitive development of children in families is a topic that should be considered by all and action should be taken to improve and strengthen these characteristics. The present study was conducted in two parts. In the first part, the effect of teaching behavioral characteristics and cognitive development to families with anxious children and improving their anxious behavior was studied, and in the second part, the stability and effect of these trainings on reducing children's anxiety over time were examined. The present study is of experimental design research in terms of importance in the category of applied research and in terms of data collection. To conduct this study, first 60 anxious children were selected as a pretest through Akhenbach test, then the statistical samples were randomly divided into two groups of control and experimental, and after obtaining demographic information from both groups to One group of their parents was trained in cognitive development (based on Piaget theory) (experimental group) and the control group was not trained. Akhenbach test with anxiety component was taken as a post-test from both groups of children in the same family. Some time (3 months) after the end of the test results and the relevant training, the Achenbach test was taken again for the stability of the training over time. Descriptive statistics such as mean, standard deviation and demographic characteristics, etc. were used to analyze the research data, and inferential statistics such as analysis of covariance were used as a supplement. The results showed that teaching behavioral characteristics and cognitive development on improving children's behavior to families had a significant relationship with improving their children's anxiety. In the second part of the study, the sustainability of these trainings on reducing children's anxiety over time was also significant.

Keywords: Cognitive, Behavioral Developmental Characteristics, Anxious Children, Piaget Theory, Aachenbach's Test

[Downloaded from jnip.ir on 2026-09-13]